

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین یوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناھید "غزل" غنی زاده

ویرجینیا - ۲۶ اکتوبر ۲۰۱۶

تنظیم و ویرایش: پورتال

باران

ابرها برگشتند و من دلتنگتر از هر زمانی به جاده بی هدف زندگانی پیش می روم و با
ابرها یکجا اشک می بارم و دگرگونی گلبن عاطفه ام را زیر شلاق باران تحمل می کنم.

حضور آئینه

در بامدادی، که درون صدایم کاملترین سرود عشق را نهان نموده بودم، هنگامه گذر
ابرها رسید و از درخت سبز رویاهایم شگوفه ها ریخت. هرچند بیمناک از سکوت سایه
مرگ هستم، ولی چون چشمه داغ مهر قلب سنگها را می شگافم تا حضور آئینه را در دل
سوگوار صخره ها بجویم. با استقامت پیمانم عطر گلابهای سرخ طراوتی از یادهای ترا
خواهد آورد، که با نسیم سرد بی پروائیهای من دشت به دشت حادثه ها کوچیده و مرا در
آتش ندامت از پای افکنده بود.

حصار

روزگاری ست، قطار غوغاگر ابرها از حرکت باز ایستاده است و مسافران متردد باران،
باغ را در وسواس تشنگی در حصار گرفته اند.

(ناھید "غزل" غنی زاده)